

عقب‌نشینی سرپرست تیم آمریکا در مذاکرات هسته‌ای ۵+۱ با ایران از اظهارات توهین آمیز خود علیه ایرانیان

شرمن: پشیمانم!

صفحه ۲



نخست‌وزیر جدید پاکستان ضمن تأکید بر روابط خوب با ایران:

زیر بار سخن غلط آمریکا نمی‌رویم

صفحه ۲

یادداشت امروز

تجربهای پرهزینه در حوزه سیاست خارجی

دیگر اشتباه نکنید آقای ظریف!

نویسنده مؤمن

اخیراً وزیر محترم امور خارجه در مصاحبه با شبکه سسی‌ان‌ان به نکات قابل تاملی درباره ایالات متحده و رفتار دولت‌های قبلی و فعلی مستقر در کاخ سفید علیه شورمان اشاره کرد. در بخشی از این مصاحبه، دکتر «محمدجواد ظریف» اظهار داشت: «حساس می‌گردیم آمریکا حداقل این مسأله را یاد گرفته است که تحریم‌ها تنها موجب فشار اقتصادی بر ایران می‌شود و هیچ‌گونه دستاورد و نتیجه سیاسی مورد انتظار واشنگتن را به همراه ندارد. من تصور می‌کردم آمریکایی‌ها این درس را گرفته‌اند ولی متأسفانه اشتباه می‌کردم».

آنچه امروز وزیر امور خارجه شورمان از آن به عنوان «اشتباه» یاد می‌کند، همان «پیش‌فرض غالب» و «پررنگی» بود که بین سال‌های ۹۲ و ۹۴ به مغز استخوان سیاست خارجی شورمان تبدیل شد! در اینجا قصد تخطئه وزارت امور خارجه یا بازخوانی اشتباهات محاسباتی- راهبردی‌ای را که دولت یازدهم در حوزه سیاست خارجی شورمان مرتکب شد نداریم اما در این میان نکاتی وجود دارد که اگر دولتمردان ما نسبت به آنها بی‌توجه باشند، بار دیگر سال ۱۴۰۰- و بلکه زودتر- شاهد اعتراف پرهزینه آنها درباره «ارتکاب اشتباه» در قبال ایالات متحده و بازیگران غربی خواهیم بود.

۱- تاکنون بارها عنوان شده است عدول دستگاه دیپلماسی شورمان از «گزاره‌های راهبردی» یا همان ثوابت سیاست خارجی شورمان، مولد هزینه‌هایی تصاعدی، سنگین و حتی در مواردی غیرقابل جبران برای شورمان خواهد بود. استراتژی‌های کلان سیاست خارجی شورمان از جمله

«اتحاد گارد بسته در برابر آمریکا» برگرفته از آرمان‌هایی است که انقلاب اسلامی ایران از آنها نشأت گرفته است. در ذیل این استراتژی کلان، استراتژی‌ها و مدل‌های راهبردی دیگری مانند «مدیریت رفتار دشمن» تعریف می‌شود که نه تنها منافاتی با ارزش‌های ما ندارد بلکه مقوم آنها محسوب می‌شود. با این حال زمانی که «راهبردهای میان‌مدت» و حتی «تاکتیک‌هایی که ما به کار می‌گیریم، در تعارض با اصول و مبانی سیاست خارجی ما باشد، عملاً به دست خود کلافی پیچیده ایجاد می‌کنیم که برون‌رفت از آن بسیار دشوار است! ۲- از سال ۹۲ تا ۹۴ نسبت میان استراتژی‌ها، راهبردها و تاکتیک‌های ما بر هم ریختن ظاهر راهبردی «تبدیل دشمن اقسام‌خورد» و کم‌ریسته به نابودی نه فقط جمهوری اسلامی بلکه کشور را به «دوست» نه تنها در تعارض با اصول و مبانی سیاست خارجی انقلاب اسلامی ایران قرار داشت، بلکه مانع ظهور و بروز مؤثر استراتژی کلان و اصلی ما یعنی بر «مدیریت رفتار دشمن» شد. بزک کردن چهره «پاراک اوپاما» «جان کری» و «ژوزف بایدن» و یاد کردن از آنها به عنوان «آمریکایی‌های خوش‌خیم»(۱) منجر به هدایت ظرفیت‌های حوزه سیاست خارجی ما در مسیر و مجرای مجازی و نامناسب شد. ما حاصل این موضوع از ابتدا مشخص بود: بدهی مطلق اوپاما در برجام و متعاقباً خروج رسمی از توافق هسته‌ای توسط ترامپ!

۳- دکتر ظریف در بخش دیگری از اظهارات خود در مصاحبه با سسی‌ان‌ان اظهار کرده است: «سن بر این باورم یک بیماری در آمریکا وجود دارد و این بیماری، اعتیاد به تحریم‌هاست. حتی در دولت اوپاما نیز ایالات متحده تأکید بیشتری بر حفظ تحریم‌ها داشت به جای آنکه تحریم‌ها را لغو کرده و به تعهدات خود در قبال برداشتن تحریم‌ها عمل کند».

درست در نخستین روز فروردین‌ماه ۹۴ و در حالی که دولت یازدهم در حال تثبیت «خداحافظی» با تحریم‌ها» در ذهن مردم بود، رهبر حکیم انقلاب اسلامی به نکات بسیار مهمی در این باره اشاره فرمودند: «بعضی از پیشرفت ملت ایران، غمگین و ناراحت می‌شوند. اینها ۲ کار عمده در برنامه دارند. می‌خواهند مانع تراشی کنند که ملت ایران به پیشرفت و رشد دست نیابد. با تحریم و تهدید و با مشغول کردن مدیران به کارهای درجه ۲ و منطف کردن حواس ملت بزرگ ایران و بیخگان کشور به کارهایی که در فهرست کارهای اصلی آنها قرار ندارد».

ادامه در صفحه ۱۲

سومین دادگاه ویژه بر خورد با مفسدان اقتصادی روز گذشته به صورت علنی برگزار شد

آغاز محاکمه ۱۲ واردکننده موبایل

صفحه ۵



روزنامه

زمین بازی با واشنگتن تغییر کرده

بازچینش قواعد بازی با آمریکا

تشدید کرده است. نباید فراموش کرد «تغییر زمین بازی» و «ترسیم قواعد بازی» با آمریکا نباید معطل محاسبات ما در این باره و موارد مشابه باقی بماند. به طور کلی هر عاملی که منجر به ایده‌آل‌گرایی کاذب و بازدارنده در برابر ایالات متحده شود، محکوم به شکست و صرف هزینه‌های هنگفت برای شورمان خواهد بود.

امروز زمان آن رسیده است تا ما قواعد بازی جدید خود در برابر آمریکا را حول محور «قاطعیت در برابر دشمن» تعریف کرده و استراتژی شگست‌خورد «تبدیل دشمن عنود به دوست» را به طور کامل فراموش کنیم. امروز زمان آن رسیده است تا رفتار ما در قبال آمریکا متغیری از احم و لبخند مستأجران کاخ سفید و حتی متحدان اروپایی آنها نباشد. باید اذعان کرد مواجهه نادرست و غیرواقعی‌بینانه دولتمردان با توافق ضعیف برجام، ما را به صورت ناخودآگاه به متغیری وابسته به رفتارها و حرکات مقامات غربی تبدیل کرده بود؛ حال آنکه در زمین جدید بازی و بر اساس قواعد جدید که این بار نظام مقدس اسلامی آن را خواهد چید، ما متغیری وابسته به رفتار رقیب نخواهیم بود.

در نهایت اینکه فرمایشات رهبر حکیم انقلاب، بیش از آنکه حکم «ندار» را داشته باشد، حکم یک «مبنا» و «قشه راه» برای تعیین زمین بازی جدید و ترسیم قواعد بازی تازه ما با ایالات متحده را دارد. بدون شک ما حاصل این بازی جدید چیزی جز شکست و تحقیر آمریکا نخواهد بود؛ ان‌شاءالله.

همین استراتژی ترسیم شد. نتیجه و خروجی این روش، عهدشکنی آشکار خزانه‌داری دولت اوپاما در عمل کردن به حداقلی‌ترین خواسته ایران در برجام آعادی‌سازی روابط بانکی و اعتباری با دنیا بود. این عهدشکنی در دوران ریاست جمهوری ترامپ به اوج رسید. در نهایت رئیس‌جمهور ایالات متحده از توافق هسته‌ای با ایران خارج شد و بنیان تصورات ایده‌آل‌گرایانه طرفداران «احیای چهره آمریکا» در ایران را بر هم ریخت.

در این میان ۲ نگاه کلان در کشورمان وجود دارد که اولی مبتنی بر «احیای شرایط از دست رفته» و دیگری متکی بر «چینش قواعد بازی جدید با آمریکا» است. احیای شرایط از دست رفته معنایی جز «تکیه بر پیش‌فرض‌های ناصحیح» و «آزمون و خطای دوباره» ندارد. باید این اصل مهم را مدنظر قرار داد که دموکرات‌ها و جمهوری خواهان آمریکا رسماً، عملاً و عیناً و عملاً توهمات طرفداران «اصلاح وجهه آمریکا در داخل ایران» و «دوستی با حکومت ایالات متحده» را پس زده‌اند. بدیهی است در چنین شرایطی نه تنها «قواعد بازی با آمریکا» باید دوباره تغییر کند، بلکه «زمین بازی» نیز باید ابعاد جدیدتری پیدا کند!

فرمایشات بسیار مهم رهبر حکیم انقلاب اسلامی به صورت همزمان «قواعد بازی» و «زمین

سعيد خدايی: چه خواهيم يا نخواهيم، چه منكر شويم يا نشويم

و چه خوشبين باشيم يا نياشيم، «برجام» رسماً به پايان عمر خود رسيده است. شواهد و مستندات موجود نشان می‌دهد حتی اگر «تروئیکای اروپایی» در ظاهر بسته‌های حداقلی را برای حفظ توافق هسته‌ای ارائه دهد، در آینده بر سر «معامله اقتصادی-امنیتی» با واشنگتن بر سر برجام آمادگی واقعی دارد! هر چند نگارنده معتقد است برجام در همان دوران ریاست جمهوری «پاراک اوپاما» و حضور دموکرات‌ها در کاخ سفید آثار حداقلی خود را از دست داد و به سندی بی‌ارزش تبدیل شد اما خروج رسمی «دونالد ترامپ» از برجام به مثابه «قطعه آشکارساز» پایان توافق هسته‌ای محسوب می‌شود.

اخیراً حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای صراحتاً تأکید فرمودند مذاکره با ایالات متحده ممنوع بوده و جمهوری اسلامی ایران، حداقل با دولت فعلی این کشور «ادولت ترامپ» وارد مذاکره نخواهد شد. سخنان معظم‌له به مثابه «بازچینش قواعد بازی با آمریکا» است، نه «احیای برجام از دست رفته». واقعیت امر این است که از سال ۹۲ تا ۹۴ از زمان انعقاد توافق هسته‌ای و متعاقباً از سال ۹۴ تا زمان خروج رسمی ترامپ از توافق هسته‌ای در اردیبهشت ۹۷، استراتژی «تبدیل دشمن به دوست» در سطوح کلان سیاست خارجی دولت هویدا شد و تاکتیک‌های مذاکراتی با ایالات متحده نیز بر مبنای

روزنه

نقش مالیات در تأمین کسری بودجه

عباس شریفی

بارها و بارها به گوش‌مان خورده که دولت با مشکل کسری بودجه مواجه است. برخی نیز تنها به گوش‌شان نخورده و این معضل را با تمام وجود لمس کرده‌اند. بسیاری از مردم با حقوق‌های عقب‌افتاده، طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام، بدهی‌های تسویه نشده از جانب دولت و چنین دیدن دانشداهای مواجه بوده‌اند. این موضوع لزوماً متعلق به دولت خاصی هم نیست، بلکه حکایت از مشکلی ساختاری در اقتصاد ایران دارد. کسری بودجه در طول همه دولت‌ها وجود داشته و این موضوع به یک بیماری مزمن تبدیل شده است. خرج دولت در ایران با دخلش نمی‌خواند و این موضوع، باعث کاهش و عدم اثربخشی بسیاری از برنامه‌های دولت شده است. کیفیت بودجه نشان‌دهنده کیفیت حکمرانی در کشور است و این نکته را روشن می‌کند که در واری حریف‌های زیبا و شاعرهای دهان پرکن، سازوکار اجرایی اداره کشور به چه نحوی است و دولت و حاکمیت با چه ابزارهایی درصدد تحقق وعده‌های خوبشند.

دولت برای اجرای مأموریت‌هایی که از سوی مردم به آن محول شده باید منابع لازم را از اقتصاد، به شیوه‌های مناسب و به مقدار کافی جمع‌آوری کند و این منابع را به طور مسؤولانه، کارا و اثربخش به اولویت‌های عمومی تخصیص دهد. این منابع شامل درآمدهای نفتی، درآمدهای غیرنفتی و انواع استقراض‌هاست و باید به هزینه‌های عمرانی، جاری و بازپرداخت دیون دولت اختصاص یابد. اگر منابع و درآمدها با هزینه‌ها برابری نکند و مقدار کمتری باشد با کسری مواجهیم. بدیهی است بودجه کل کشور روی کاغذ با کسری روبه‌رو نخواهد بود، زیرا تأیید و تصویب نمی‌شود اما بسته به تعریفی که از کسری داریم، کسری بودجه معنا پیدا می‌کند. مثلاً اگر مبنای این مانع باشد که کل منابع را از کل مصارف کم کنیم به عدد صفر می‌رسیم و می‌توان ادعا کرد به هیچ عنوان کسری نداریم اما اگر سهم نفت را از بودجه حذف کنیم و استقراض را لحاظ نکنیم، عملاً ۵۰ درصد منابع عمومی بودجه، کسری خواهیم داشت. اما چرا باید این دو جزء را از درآمدها حذف کنیم؟ زیرا واقعاً نام اینها را نمی‌توان درآمد گذاشت؛ همان‌طور که در یک خانواده، فروش فرش زیر پای‌مان یا فروش منزل را نمی‌توان درآمد نامید یا هیچ‌کس قرض‌هایی را که می‌گیرد جزو درآمدهایش لحاظ نمی‌کند!

ادامه در صفحه ۱۲



از سخن تا به عمل یک قدم است